

## صاحبان رسالات موسیقی

نوشته حسینعلی ملاح

(۸)

۵۳ - الحموی (یا - ابن واصل) AL - HAMAWI

نامش : جمال الدین محمد بن سالم بن نصراله است که بسال ۶۹۷ هجری مطابق با ۱۲۹۸ میلادی درگذشته است. رسالات فرنگی مشهورترین رساله موسیقی او و تجرید الاغانی من المثلث و المثانی<sup>۱</sup> نام دارد .

فارمر<sup>۲</sup> نوشته است که: دیک نسخه ازین رساله بشماره ۵۷۱ در کتابخانه موزه

---

۱- کلمات ، مثلث و مثانی - صورت جمع دو کلمه مثلث و مثنی است (بروزن مسکن و معنا) این دو لفظ نام دو رشته از پنج رشته ساز عود یا بربط است که به ترتیب عبارتند از ، بم - مثنی - مثلث - زیر - واحد .  
برمثانی و مثلث بنوازای مطرب      وصف آن ماه که درحسن ندارد ثانی  
دیوان حافظ مصحح قزوینی ص ۳۷۵

۲- منابع موسیقی عرب ص ۵۱ .

بریتانیا و یک نسخه بدل بشماره ۱۴۰۰ در کتابخانه سنت صوفیای کنستان تی نپل<sup>۱</sup>  
موجود است»

### ۵۴ - قطب‌الدین شیرازی

نامش : قطب‌الدین محمود بن مسعود بن مصلح‌الشیرازی است که بسال  
۷۱۰ هجری مطابق با ۱۳۱۱ میلادی در گذشته است .

مینویسند<sup>۲</sup> : « بسال ۶۳۴ هجری قمری در شیراز بدنیا آمد - پدرش  
پزشکی معروف از مشایخ صوفیه بود . قطب‌الدین نیز نخست بتحصیل طب پرداخت  
و در ده سالگی خرقه تصوف پوشید .

قطب‌الدین جوینده دانش بود و « کلیات قانون » ابن سینا را بخواند و  
بمطالعه دیگر کتب علمی و فلسفی پرداخت ... علم هیئت و « اشارات » ابن سینا  
را نزد حکیم طوسی بخواند و مشکلات « قانون » را بیاری افکار حکیمانه وی  
بگشود - سپس به اکثر ایالاتی که در تصرف ایلخانیان مغول بود سفر کرد و از  
اصفهان به بغداد و سپس به روم رفت و مولانا جلال‌الدین را ملاقات کرد و  
« جامع‌الاصول » را در قونیه بنوشت و حاکم روم قطب‌الدین را بزرگ داشت و  
اورا قاضی « سیواس » کرد - در اینجا بود که قطب‌الدین کتاب « تحفة الشاهیه » را  
تصنیف کرد ... »

آخرین اثر قطب‌الدین شیرازی « *درة التاج لغرة الدجاج* »<sup>۳</sup> نام دارد

#### 1 - Library of Saint Sophia in Constantinople

۲- برای مزید اطلاع رك به : جزوه : « ملاقطب شیرازی » تألیف استاد

مجتبی مینوی چاپ سال ۱۳۴۸

۳- استاد مجتبی مینوی نوشته‌اند « *درة التاج* در فلسفه و حکمت که آن را

برای امیر دجاج بن فیلساه بن رستم شاه پادشاه گیلان و دیلمستان تألیف نموده و  
مقداری از آن به‌اهتمام آقای سید محمد مشکات بیرجندی و به‌خرج وزارت معارف  
ایران به‌طبع رسیده است ... »

(ملاقطب شیرازی - از یادنامه ایرانی مینورسکی (ص - ۸) طبع سال

(۱۳۴۸)

که در زبان فارسی یکی از مهمترین گنجینه‌های جامع علوم است - و از هر کتابی به «شفای» ابن سینا نزدیکتر است .

این کتاب در حقیقت دائرةالمعارفی است که نخست در فضیلت دانش و دانش آموزی سخن رانده ، سپس دوازده رشته علم که يك تن حکیم را در قرن هفتم هجری بکار بوده ، بقسمی گردآورده است که در بسیاری از علوم رساله مفرد هم بدین مایه بدست نیست .

فارمر نوشته است : « درةالتاج عنوان دایرةالمعارفی است از مؤلفات قطب‌الدین شیرازی که باب چهارم آن درباره اصول وقواعد موسیقی ( تئوری موسیقی ) است و چنین مینماید که نزد علمای عرب نیز از منابع معتبر بشمار می‌آید . رك به : « کشف » يك نسخه خطی از این کتاب بشماره ۷۶۹۴ در کتابخانه موزه بریتانیا مضبوط است که فصل مربوط به موسیقی آن در ۴۵ برگ برشته تحریر درآمده است .»

قطب‌الدین در فصل موسیقی درةالتاج راجع به : صوت و لواحق آن و نسبت‌های ابعاد موسیقی و رابطه اصوات از نظر ریاضی و آوازاها و مقام‌ها و پرده - شناسی آلات موسیقی و وزنهای شعر و موسیقی گفتگو کرده است و در موارد عدیده عقاید فارابی و صفی‌الدین عبدالمومن ارموی را ذکر کرده و گفته‌های آنان را توضیح و تشریح کرده است .

وی را «علامه شیرازی» یا «ملاقطب» نیز گفته‌اند.

«علامه شیرازی مردی زیرك و بذله گو بود ، شعر میگفت و رباب را با مهارت مینواخت و در شعیده و شطرنج استاد بود .»<sup>۱</sup>

استاد مینوی در جزوه «ملا قطب شیرازی» نوشته‌اند<sup>۲</sup> : « در ختام این ترجمه حال علامه شیرازی مناسبست که يك قطعه از اشعار فارسی او را نیز برای شما نقل کنم . شعريك حکیم دانشمند است ، اما خالی از لطف و ذوق نیست :

یارب این بنده بیچاره بی فایده عمر  
همچنان از کرمت برنگرفتست امید

۱ - کارنامه بزرگان ایران (ص ۱۷۹)

۲ - ص ۱۹ و ۲۰

وربزدان عقوبت بریم روزشمار  
دارم امید که نوید نما منم جاوید  
هردرختی ثمری دارد و هر کس هنری  
من بیچاره بیمایه تهی دست چو بید  
لیک از مشرق الطاف الهی چه عجب  
که چو شب روز شود بر همه تا بد خورشید

## ۵۵ - ابوالفرج اصفهانی

پیش از آنکه قول «فارمر» را در باره ابوالفرج اصفهانی نقل کند لازم است یاد آور شود که این مؤلف را نباید با «ابوالفرج علی بن الحسین بن محمد بن احمد القریشی اصفهانی» که بسال ۳۵۶ هجری مطابق با ۹۶۷ میلادی در گذشته است و مشهورترین اثرش «کتاب الاغانی الکبیر» است و ذکر احوالش در صفحات قبلی این مجیزه آمده است یکی دانست .

فارمر نام و کنیت ابوالفرج ثانی را چنین<sup>۱</sup> ثبت کرده است : «ابوالفرج علی بن حسن اصفهانی - که بسال ۷۲۱ هجری مطابق با ۱۳۲۱ میلادی در - گذشته است . « بر گردان نام مشهورترین اثر وی را «فارمر» چنین نوشته است<sup>۲</sup> «The delectation of kings» که معنایی بدین تقریب تواند داشت : «سرگرمی شاهان» .

فارمر آنگاه مطالبی به این شرح راجع به این اثر مرقوم داشته است<sup>۳</sup> :  
«نخستین بار کولانکت Collangettes در مجله آسیائی Journal Asiatique (سال ۱۹۰۴ ص : ۳۸۳) .

از این مؤلف و از این اثر تحت همین عنوان یاد کرده است و سپس همین عنوان توسط «کیزوتر» Kiesewetter (ص : ۸۸) و «روآنه Rouanet» (ص : ۲۶۸۰) ترجمه شده است - اما مطلقاً در ادبیات عرب نشان یا اثری از این کتاب نیست - گمان میرود که در ضبط نام و تاریخ وفات این مؤلف سهو و خطائی رفته است کما اینکه درباره بسیاری از مؤلفان چنین سهوی بر قلم مورخان

۱ - ۲ - ۳ - منابع موسیقی عرب . ص ۵۱۰

جاری شده است (نگاه کنید به : مطالعاتی درباره آلات موسیقی شرقی<sup>۱</sup>) چاپ  
سال ۱۹۳۹ء.

### ۵۶ - البسطامی

نامش : ابو عبدالله محمد بن احمد بن الشیخ محمد الحلبي البسطامی است  
که بسال ۸۰۷ هجری مطابق با ۱۴۰۴ میلادی در گذشته است .  
(لازم است یادآور شود که این مؤلف را نباید با بایزید بسطامی (وفات  
۲۶۱ یا ۲۵۴ هـ ق) یکی دانست)  
مشهورترین اثر البسطامی رساله : فی نصیحت اصحاب النفوس الزکیه فی  
حکم السماع علی الطریقه - است که در آن از آداب سماع صوفیه سخن رفته  
است .

### ۵۷ - ابن خلدون

نامش : ابوزید عبدالرحمان ابن محمد ابن محمد ابن خلدون است که  
بسال ۸۰۸ هجری مطابق با ۱۴۰۶ میلادی در گذشته است .  
ابن خلدون از مشاهیر مورخان و علمای فلسفه تاریخ است - وی مؤلف  
کتابی است بنام « کتاب العبر » که مقدمه آن معروف به « مقدمه ابن خلدون »  
شهرت فراوان یافته است ، و در آن از تاریخ ، همچون علمی بحث کرده ، و از  
قدیم ترین کتابهای فلسفه تاریخ و جامعه شناسی بشمار میرود<sup>۲</sup> .  
ابن خلدون در این مقدمه فصلی را به موسیقی اختصاص داده است - فارمر  
نوشته است : « بخش موسیقی این کتاب بسال ۱۸۱۸ توسط « فن هامر Von  
Hammer » به ترکی ترجمه شده و بسال ۱۸۲۵ توسط « جاکسن J.G. Jackson »  
در مجله آسیائی به انگلیسی برگردان شده - و بسال ۱۸۶۲ و ۱۸۶۸ بخش  
موسیقی این کتاب توسط « کاترمر Quatremère » در نشریه « Notices et  
extraits » پاریس بزبان فرانسوی ترجمه شده است . »

---

1 - Studies in oriental musical instruments -

۲ - این کتاب بسال ۱۳۳۶-۳۷ هـ - ش در تهران بفارسی ترجمه و چاپ  
شده است .

## ۵۸ - الجرجانی

نامش : علی بن محمد الجرجانی السید الشریف<sup>۱</sup> است که بسال ۸۱۶ هجری مطابق با ۱۴۱۳ میلادی در گذشته است .

جرجانی متکلم و فیلسوف ایرانیست که با تفتازانی معاصر بوده است و بمعرفی تفتازانی ، شاه شجاع آل مظفر او را در شیراز به تدریس مشغول ساخت (۷۷۹ هـ ق) - در سال (۷۹۰ هـ ق) امیر تیمور او را از شیراز به سمرقند فرستاد . پس از مرگ امیر تیمور (۸۰۷ هـ ق) به شیراز بازگشت و در همانجا وفات یافت . جرجانی رسالات فلسفی فراوان به عربی و فارسی دارد ، و ضمناً بر بعضی کتابهای معروف فقه و فلسفه و نجوم حواشی نوشته است - مشهورترین آثار خود او « کتاب التعریفات » (معروف به تعریفات جرجانی) ترجمان القرآن - امثله - صرف میر - صغری و کبری است .

فارمراز دورساله نام میبرد که جزو آثار جرجانی ذکر نشده است - وی میگوید : « برخی دو رساله زیر را به الجرجانی نسبت داده اند و بهمین دلیل من نیز در مقدمه ذکر می از آنها کرده ام .

الف : شرح مولانا مبارک شاه (در باره کتاب الادوار)

ب : مقالید العلوم

در مورد شرح مولانا مبارک شاه باید گفت : این کتاب به تقلید کتاب الادوار صغری الدین عبدالؤمن ارموی از پانزده باب تشکیل شده ، اما از لحاظ مطالب و افکار بویژه در باره مبانی اصوات طبیعی واجدا بتکاراتیست . و اما در مقالید العلوم ، در حقیقت یک دایرة المعارف جیبی است که از دانشهای بیست و یک گانه و منجمله موسیقی در آن سخن رفته است .

## ۵۹ - عبدالقادر مراغی

نامش : عبدالقادر بن غیبی مراغی است که بسال ۸۳۹ هجری<sup>۲</sup> مطابق

---

۱ - دایرة المعارف فارسی نامش را « میرسید شریف جرجانی ، شهرت : سیدعلی ابن محمد ۷۴۰ - ۸۱۶ هـ - ق » نوشته است  
۲ - در مقدمه کتاب مقاصد الالحن به اهتمام آقای تقی بینش چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۸۳۸ ثبت شده است (ص ۲۷ مقدمه)

با ۱۴۳۵ میلادی در گذشته است .

فارمر مینویسد : «وی يك موسیقی دان ایرانی از اهالی آذربایجان بوده است ... در بغداد از ندیمان سلطان جلایر بشمار می آمده ... سپس به دربار بایزید اول راه یافته است - آنگاه که تیمور بغداد را بتصرف در آورد (۷۹۵ هـ ق - ۱۳۹۲ م) عبدالقادر را با خود به سمرقند برد و معزز داشت و بسرپرستی گروه خنیاگران دربار خویش مفتخرش گردانید ...

دولت‌شاه از وی ، بعنوان یکی از چهار تن برجستگان هنر که به دربار شاهرخ شاه تقرب داشتند یاد میکند .

عبدالقادر بی‌هیچ تردید پیشوای خیل موسیقی شناسان عصر خود بوده است - وی را شعرشناس و نقاش نیز دانسته اند - مهمترین آثار عبدالقادر مراغی عبارتند از :

۱ - جامع الالخان که نسخه بدلی از آن بشماره ۳۶۴۴ در کتابخانه نوری عثمانیه موجود است که سال تحریر آن ۸۱۸ هـ ق مطابق با ۱۴۱۵ میلادی است و به سلطان شاهرخ تقدیم شده است .

## ۲ - مقاصد الالخان

که بسال ۸۲۱ هـ ق مطابق با ۱۴۱۸ میلادی برای فرزند شاهرخ شاه به رشته تحریر آمده است - نسخه ای ازین کتاب در کتابخانه بادلیان اکسفورد (از مجموعه Ouseley بشماره ۳۸۵) موجود است و نسخه بدلی نیز در کتابخانه دانشگاه لیدن Leyden (هلند) مضبوط است که گویا به سلطان مراد دوم اهداء شده است (۸۲۴ هـ ق - ۱۴۲۱ م)

(لازم است یادآور شود که کتاب مقاصد الالخان بسال ۱۳۴۴ از روی نسخه خطی موجود در کتابخانه آستانه مشهد به اهتمام آقای تقی بینش از طرف بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ شده است . بنابر قول آقای بینش داین چاپ از روی نسخه بسیار نفیسی است به خط مؤلف و با تصحیح خود او که در سال ۸۲۱ کتابت شده است و به قراری که اولیای کتابخانه آستانه مشهد مدعی هستند وقتی در خزانه نادرشاه بوده است .

### ۳ - کنز الالحان

تاکنون نسخه‌ای از این کتاب بدست نیامده است<sup>۱</sup> - منحصرأ در مجموعه مؤلفات عربی (Hhlwardt) کتابخانه برلین کتابی تحت عنوان «کنز الالحان فی علم الادوار» نام برده شده است - مفقود الاثر شدن این کتاب از عجایب است - در ظاهر این کتاب حاوی تمام تصنیف‌ها (یا ترانه‌ها) نیست که عبدالقادر طی سالیان دراز ابداع کرده است .

### ۴ - شرح الادوار

نسخه‌ای از این رساله بشماره ۳۶۵۱ در کتابخانه نوری عثمانیه موجود است (لازم بیاد آورید که : يك نسخه خطی از کتاب شرح ادوار و زواید فواید در کتابخانه ملی تهران نیز موجود است که به خطی خوش در ۲۷۲ صفحه نوشته شده است (۱۳۶ برگ روپشت). نام کتاب را مؤلف چنین نوشته است : «شرح کتاب ادوار مولانا صفی‌الدین عبدالمومن ابن فاخر الارموی» این رساله مشتمل است بر : مقدمه (که واجد سه فصل است) - مقاله - (که دو فصل دارد) و خاتمه : (که همان رساله زواید فواید باشد .)

### ۵ - کتاب الادوار

این کتاب ترجمه «ادوار» است به زبان ترکی که نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه لیدن (هلند) موجود است. مطالعات فرنگی  
۶ - کتاب: ترجمه ادوار خواجه صفی‌الدین (عبدالمومن) فی الموسیقی. تمام این کتابها بفارسی است ، ولی متأسفانه از آنجا که «کولانکت» و «روانه» ترجمه‌های عربی این آثار را مورد مطالعه قرار داده‌اند سهواً آنها را از آثار عرب پنداشته‌اند .

ضروری است گفته شود که یکی از فرزندان جوان عبدالقادر مراغی موسوم به «عبدالعزیز» رساله‌ای تحت عنوان «نقاوت الادوار» یا ( برگزیده

---

۱ - خود عبدالقادر در کتاب مقاصد الالحان و شرح ادوار بدفعات اشاره به این کتاب کرده است .



